



**The effectiveness of behavioral parenting program training on
improving the parent-child relationship of mothers with children
with learning disabilities**

✉
Mehdi Ghezelseflo , Mehdi Rostami, Fatemeh Mamashli

Abstract

Background and Aim: Learning problems are undeniable facts that can be seen in all societies and cultures. The purpose of this study was to determine the effectiveness of behavioral parenting program training on improving the parent-child relationship of mothers with children with learning disabilities. **Methods:** The current research was semi-experimental with experimental and control groups and a pre-test and post-test design. The statistical population consisted of mothers with children with learning disabilities aged 7 to 10 years who referred to the Minodasht Education Counseling Center. 20 students were selected purposefully and using the random replacement method in two groups of 10 people (10 people in the experimental group and 10 people in the control group) were placed. Parent-child relationship questionnaire will be conducted under the supervision of the researcher for both experimental and control groups. Subsequently, the mothers of the experimental group were exposed to 8 sessions of behavioral education in a group (psycho-educational sessions), and at the end of the sessions, the questionnaires were repeatedly performed by the mothers of both groups. For analyzing the obtained data, descriptive statistics and repeated measures variance analysis were used. **Results:** The results showed that behavioral skills training to mothers significantly increased the level parent-child relationship ($P=0/001$). **Conclusion:** Based on the findings, it can be concluded that teaching parenting program in a behavioral way to mothers improves the parent-child relationship in students with learning disabilities.

Received: 24.01.2022

Revision: 23.05.2022

Acceptance: 23.06.2022

Keywords:

Parenting program, Parent-child relationship, learning disorder

How to cite this article:

Ghezelseflo, M., Rostami, M., & Mamashli, F. (2022). The effectiveness of behavioral parenting program training on improving the parent-child relationship of mothers with children with learning disabilities. *Bi-Quarterly Journal of studies and psychological news in adolescents and youth*, 2(2): 140-151

Article type

Original research

1. Mehdi Ghezelseflo, Assistant Professor, Department of Psychology, Gonbad Kavos University, Gonbad Kavos, Iran,
2. Mehdi Rostami, Faculty member of counseling and psychology department, The Institute for Social Study and Research Iran Mehr, Tehran, Iran, **3. Fatemeh Mamashli**, M.A of Psychology Department, Non-Profit Shams University, Gonbadkaus, Iran

✉ Correspondence related to this article should be addressed to **Mehdi Ghezelseflo**, Department, Psychology, Faculty, Azad University, Yasuj, Iran

Email: me.ghezelseflo@gmail.com

اثربخشی آموزش برنامه والدگری به شیوه رفتاری بر بهبود رابطه والد- فرزندی مادران دارای کودکان اختلال یادگیری

مهدی قزلسفلو[✉]، مهدی رستمی، فاطمه ممشلی

چکیده
زمینه و هدف: مشکلات یادگیری واقعیت‌های غیر قابل انکاری هستند که در تمام جوامع و فرهنگ‌ها به چشم می‌خورند؛ لذا هدف از پژوهش حاضر تعیین اثربخشی آموزش برنامه والدگری به شیوه رفتاری بر بهبود رابطه والد-فرزندی مادران دارای کودکان اختلال یادگیری، بود. روش پژوهش: پژوهش حاضر نیمه تجربی با گروه آزمایش و گواه و طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون بود. جامعه آماری، مادران دارای کودکان اختلال یادگیری ۷ تا ۱۰ سال مراجعه کننده به مرکز مشاوره آموزش و پرورش مینودشت بود که به صورت هدفمند ۲۰ دانش آموز انتخاب و با استفاده از روش جایگزینی تصادفی در دو گروه ۱۰ نفری (۱۰ نفر گروه آزمایش و ۱۰ نفر گروه گواه) قرار گرفتند. سپس مقیاس رابطه والد-کودک (بیان‌نامه ۱۹۹۴) از شرکت کنندگان، زیر نظر پژوهشگر برای هر دو گروه آزمایش و کنترل انجام شد. پس از آن مادران گروه آزمایش در معرض ۸ جلسه برنامه والدگری به شیوه رفتاری به صورت گروهی (جلسات روان-آموزشی) قرار گرفته و در پایان جلسات مجدداً مقیاس مذکور توسط مادران هر دو گروه اجرا شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از روش‌های آمار توصیفی و تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد. یافته‌ها: نتایج نشان داد که آموزش برنامه والدگری به شیوه رفتاری به مادران میزان رابطه والد-کودک را نیز به طور معناداری افزایش داده است ($p=0/001$). نتیجه گیری: بر اساس یافته‌ها می‌توان در دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری ارتقاء می‌دهد.

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۰۴

اصلاح مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۰۲

پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۴/۰۲

واژه‌های کلیدی:

برنامه والدگری، رابطه والد_فرزندی، اختلال یادگیری

نحوه ارجاع دهی به مقاله:

قزلسفلو، م.، رستمی، م.، و ممشلی، ف. (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش برنامه والدگری به شیوه رفتاری بر بهبود رابطه والد-فرزندی مادران دارای کودکان اختلال یادگیری. *دوفصلنامه مطالعات و تازه‌های روانشناختی نوجوان و جوان*، ۲(۲): ۱۴۰-۱۵۱

نوع مقاله:

پژوهشی اصیل

۱. مهدی قزلسفلو، استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه گنبد کاووس، گنبدکاووس، ایران؛ ۲. مهدی رستمی، عضو هیات علمی گروه مشاوره و روانشناسی مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران مهر، تهران، ایران؛ ۳. فاطمه ممشلی، کارشناسی ارشد گروه روانشناسی، دانشگاه غیرانتفاعی شمس، گنبدکاوس، ایران

✉ مکاتبات مربوط به این مقاله باید خطاب به مهدی قزلسفلو، استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه گنبد کاووس، گنبدکاووس، ایران است.

پست الکترونیکی: me.ghezelselflo@gmail.com

مقدمه

مشکلات یادگیری^۱ واقعیت‌های غیر قابل انکاری هستند که در تمام جوامع و فرهنگ‌ها به چشم می‌خورند. کودکان دارای این مشکلات که عمدتاً دچار ناتوانی‌های یادگیری هستند، اغلب ظاهری طبیعی دارند و رشد جسمی، قد و وزنشان نشانگر عادی بودن آنان است. آنان از نظر هوشی نیز دارای عقب ماندگی نمی‌باشند، مانند سایر همسالان خود صحبت کرده و بازی می‌کنند. با این وجود آنان عمدتاً از نظر درسی در یک یا چند زمینه با مشکل جدی روبرو بوده و بدون بهره‌گیری از آموزش‌های ویژه قادر به ادامه تحصیل نیستند (تکلیوی، ۱۳۹۰). در مشکلات یادگیری، مهارت‌ها و کارایی دانش‌آموز به طور قابل ملاحظه‌ای پایین تر از سطح مورد انتظار می‌باشد و با پیشرفت تحصیلی و یا فعالیت‌های روزمره که مستلزم به کارگیری این مهارت‌ها هستند تداخل ایجاد می‌کند و این امر ناشی از نقص در دستگاه‌های حسی- حرکتی و یا اختلالات عصبی^۲ نمی‌باشد (کاپلان، سادوک و گرب، ۱۳۸۲).

در پنجمین راهنمای آماری تشخیصی اختلالات روانی انجمن روانپزشکی آمریکا متن تجدید نظر شده (DSM5) ملاک‌های تشخیصی برای اختلال خواندن^۳، اختلال در املاء و اختلال در ریاضیات^۴ مشخص شده اند و ناتوانی‌های یادگیری در طبقه اختلال‌های عصبی تحولی قرار دارد. و ناتوانی‌های یادگیری غیر کلامی^۵ (NVLD) مانند اختلال اختلال در کارکرد فضایی، شناخت اجتماعی و اختلالات یادگیری که به گونه‌ی دیگر مشخص نشده اند آورده شده است (ویلکات، و همکاران^۶، ۲۰۱۱).

این اختلالات به طور عمده در کودکان ۷ تا ۱۰ ساله دیده می‌شود و دست کم ۵ تا ۱۵ درصد از افراد به یکی از انواع مشکلات یادگیری دچار می‌شوند. هالاهان، لیود، کافمن، ویس و مارتینز (۲۰۰۵) میزان شیوع این اختلالات را در نقاط مختلف جهان بین ۳ تا ۱۲ درصد گزارش کرده اند بطوری که معلمان در کلاسهای ابتدایی که ۲۰ تا ۲۵

دانش‌آموز در کلاس خود دارند، حداقل یک و شاید دو یا بیشتر از دو دانش‌آموز درگیر با مشکلات یادگیری خواهند داشت. رودان، رودان، کمبل، بیلوگلاو و اوریک^۷ (۲۰۰۴) میزان شیوع این اختلالات در یکی از مناطق کرواسی را ۳/۹ درصد و کاپلان و همکاران (۱۳۸۲) این میزان شیوع را در آمریکا بین ۵ - ۲/۵ درصد گزارش کرده اند. سانسون، هریس و گراهام (۲۰۱۳) نیز نشان دادند بیشتر از نصف دانش‌آموزانی که از خدمات آموزشی خاص برخوردار بوده اند، مشکلات یادگیری نیز داشتند. این دانش‌آموزان در سطوح بسیار پایین تحصیلی قرار دارند و میل به رسیدن به شغل دلخواه در دوره بزرگسالی را از خود نشان نمی‌دهند (گلدستون و همکاران^۸، ۲۰۰۷). کودکان دارای مشکلات یادگیری را عموماً به سه دسته عمده تقسیم بندی می‌کنند: الف) کودکان دارای نارسایی در خواندن و هجی کردن؛ ب) کودکان دارای نارسایی در نوشتن و املاء نویسی؛ ج) کودکان دارای نارسایی در حساب و ریاضیات.

خواندن در برگیرنده ی مجموعه‌ی پیچیده ای از مهارت‌ها است که بازشناسی لغات نوشته شده، تعیین معنی لغات و عبارات و هماهنگ ساختن این معنا با موضوع کلی متن را شامل می‌شود. این کار مستلزم فرآیندهایی است که در سطوح مختلف بازنمایی از قبیل حروف، کلمات، عبارات، جملات و واحدهای بزرگ‌تر متن عمل می‌کنند (والاس و مک لافلین، ۱۳۸۸). پدیدآیی نارسانویسی از مسائلی مانند مشکلات سازماندهی و توالی حرکات ترسیمی در فضا و در زمان یا مسایل عاطفی وابسته به اکتساب آموزشگاهی سرچشمه می‌گیرد (پرون، ۱۳۸۹) عمده‌ترین عللی که برای نارسانویسی و مشکلات املائی ذکر می‌شود عبارتند از: عدم توجه و دقت، ضعف مهارت‌های حرکتی، اختلال در ادراک بینایی^۹ حروف و کلمات، ضعف حافظه بینایی و شنوایی، دشواری در انتقال اطلاعات از یک کانال حسی به کانال حسی دیگر و انتزاعی بودن مطالب در املاء نویسی.

6. Willcutt, et al.
7. Rudan, Rudan, Campbell, Biloglav, & Urek
8. Goldeston, et al
9. disturbance in visual perception

1. learning problems
2. nervous disorders
3. reading disorder
4. disturbance in mathematics
5. Non-verbal learning disabilities

اشاره کرد (بارلو و همکاران، ۲۰۰۵). از این رو، بسیاری از پژوهش‌های انجام شده در زمینه فرزند پروری، بر جنبه‌های رفتاری فرزند پروری مانند ارتباط بین رفتارهای تعاملی مادر و رشد کودک تمرکز دارند (تجربشی و همکاران، ۱۳۹۴)؛ اما محققان زیادی بر این باورند که جنبه‌های شناختی فرزند پروری همانند جنبه‌های رفتاری آن، حائز اهمیت بوده (برینگر و همکاران^۴، ۲۰۱۷) و باید مورد بررسی قرار گیرند. زیرا شناخت‌ها، در تعیین راهکارها و رفتارهای پرورش فرزند نقش داشته و رشد فرزند را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بوده و همکاران^۵، ۲۰۱۶)؛ ارزش‌های فرزند پروری یکی از مهم‌ترین انواع شناخت‌های پرورش فرزند است و به عنوان مطلوب‌ترین ویژگی‌هایی که والدین می‌خواهند در فرزندانشان پرورش دهند تعریف می‌گردد (هیرمن و همکاران^۶، ۲۰۱۷).

علاوه بر آن، برخی از پژوهشگران معتقدند که مشکلات رفتاری کودکان در سال‌های اولیه زندگی با رفتار، تعامل منفی و تنیدگی مادر ارتباط دارد. بدین ترتیب رفتار مشکل‌ساز کودک موجب کاهش اعتمادبه‌نفس مادر می‌شود (اسکندری و همکاران، ۱۳۹۵). در زمینه تربیت فرزندان و شیوه‌های فرزند پروری، عوامل گوناگون روان‌شناختی، اجتماعی، خانوادگی و زیست‌شناختی در گیر هستند؛ (لیپولد و همکاران، ۲۰۱۶) و یکی از کارآمدترین موضوعات در نظریه‌ها و الگوهای تغییر رفتار به ویژه نظریه شناخت اجتماعی بندورا بوده و تأثیرات آن در زمینه‌های گوناگون از جمله فرزند پروری و رابطه‌ی والد-کودک بارها گزارش شده است (هیث و همکاران^۷، ۲۰۱۵).

چرا که ملا حسنی و طاهر (۱۳۹۹) معتقد است که والدین و کودکان با یکدیگر کنش متقابل دارند و بر یکدیگر تأثیر دوسویه دارند. خانواده بستری است که آدمی زندگی‌اش را با آن آغاز می‌کند و در آن شکل می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت که یکی از عوامل موثر بر سلامت و بهزیستی افراد، کیفیت عملکرد سیستم خانواده است و در این میان روابط

دانش‌آموز باید یاد بگیرد تا بین صداها یا حروفی که می‌شنود و آنچه بر کاغذ می‌آورد هماهنگی لازم را ایجاد کند (سیف نراقی، ۱۳۹۰).

غالب کودکان دارای اختلال یادگیری متعلق به خانواده‌هایی هستند که در دوران رشد خود پیوندهای عاطفی لازم با والدین خود نداشته‌اند. به عبارت دیگر این کودکان از نظر ارتباطات عاطفی روانی با والدینشان، خاطرات و تجارب خوشایندی ندارند. آن‌ها در بسیاری موارد از سوی والدین مورد سرزنش، تحقیر، تهدید و احیانا تنبیه بدنی واقع شده‌اند (افروز، ۱۳۸۵). دانش‌آموزان مبتلا به نارسایی‌های ویژه یادگیری در مقایسه با همسالان طبیعی‌شان از محبوبیت کمتری برخوردارند و به همین دلیل در معرض مشکلات اجتماعی قرار دارند. علاوه بر این، معلمان کشف کرده‌اند که آنها مسائل رفتاری بیشتری از خود نشان می‌دهند و نمی‌توانند خود را با دستورالعمل‌های موجود در کلاس عادی تطبیق دهند. بنابه نظر لندرت، روی و براتون^۱ (۲۰۰۹) ادراک بین فردی کودکان مبتلا به نارسایی‌های ویژه یادگیری بسیار خودمدارانه است و کمتر از دیدگاه دیگران تأثیر می‌پذیرد و بروز برخی رفتارهای نامناسب توسط آنها به دلیل فقدان درک دیدگاه دیگران است.

بنابراین کیفیت روابط والد-کودک^۲ در سال‌های اولیه کودکی، مبنای تحول شناختی، اجتماعی و هیجانی آینده او را پایه‌گذاری می‌کند (لیپولد و همکاران^۳، ۲۰۱۶). در واقع مراقبت والدین از کودک، موقعیتی را فراهم می‌کند که کودک احساس کند دیگران او را دوست دارند و از دیگران انتظار دارد که به عنوان فردی شایسته به او توجه کنند. علیرغم آثار مثبت یک رابطه خوب، نمی‌توان از آثار منفی ارتباط ناکافی و نامطلوب اجتناب نمود برخی از آثار منفی عبارت‌اند از: میزان بالای مشکلات مربوط به سلامت روان‌شناختی والدین، تعامل متقابل والدین، ارتباط دوسویه والد-کودک و روابط برادرها و خواهرها به خصوص در کودکان سنین پایین‌تر از ۵ سال و حتی دوران دبستان

5. Bode, et al
6. Heerman, et al
7. Heath, et al

1. Landreth, Ray, Bratton
2. quality of parent-child relationships
3. Lippold, et al
4. Beringer, et al

برای هر دو گروه آزمایش و کنترل انجام شد. پس از آن مادران گروه آزمایش در معرض ۸ جلسه برنامه والدگری به شیوه رفتاری به صورت گروهی (جلسات روان-آموزشی) قرار گرفته و در پایان جلسات مجدداً مقیاس مذکور توسط مادران هر دو گروه اجرا شد. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت از عدم قرار گرفتن تحت درمان دارویی یا روان‌درمانی همزمان با آموزش، عدم وجود سابقه روانی و جسمانی، عدم متارکه مادران، داشتن حداقل مدرک تحصیلی دیپلم، داشتن فرزندان با اختلال یادگیری خواندن و تمایل و رضایت مکتوب برای شرکت در طرح بود.

ابزار پژوهش

مقیاس رابطه والد-کودک^۲ (CPRS): این مقیاس یک پرسشنامه خودگزارشی است که توسط پیاندا^۳ برای نخستین بار در سال ۱۹۹۴ ساخته شد. این پرسشنامه شامل ۳۳ گویه است که ادراک والدین را در مورد رابطه خود با کودک میسنجد. در مقیاس رابطه مادر و کودک یک مقیاس لیکرتی ۵ نقطه‌ای از ۱= قطعاً صدق می‌کند و ۵= قطعاً صدق نمی‌کند را در بر می‌گیرد. این مقیاس شامل حوزه‌های تعارض، نزدیکی، وابستگی و رابطه مثبت کلی است که هرکدام به ترتیب با آلفای کرونباخ ۰/۸۴، ۰/۶۹، ۰/۶۴ و ۰/۸۰ منطبق هستند (ابارشی و همکاران، ۱۳۸۸). پایایی این ابزار و روایی محتوایی آن نیز توسط متخصصان قابل قبول ارزیابی شد. ابارشی و همکاران (۱۳۸۸) پایایی حوزه‌های تعارض، نزدیکی، وابستگی و رابطه مثبت را به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۷۰، ۰/۶۱ و ۰/۸۶ گزارش کرده‌اند. هرچه نمره این مقیاس بیشتر باشد نشان دهنده رابطه بهتر است. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد. در بخش آمار توصیفی به توصیف ویژگیهای نمونه آماری در قالب شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی مانند میانگین- واریانس، انحراف معیار، جداول و

و تعاملات حاکم بر اعضا و زیرسیستم‌های خانواده از اهمیت خاصی برخوردار است (بوده و همکاران، ۲۰۱۶). اعضای خانواده به واسطه علایق و دل بستگی‌های عاطفی نیرومند، دیرپا و متقابل به همدیگر متصل شده و ارزش اصلی خانواده حاصل از شبکه روابطی است که توسط اعضای آن به وجود آمده است. بنابراین برنامه‌های والدگری رفتاری، به والدین می‌آموزد که چگونه می‌توانند تعامل مثبت تری با کودکان خود برقرار کنند و میزان تعامل‌های منفی و تعارض‌های درونی خانواده را کاهش دهند (کازدین^۱، ۲۰۰۵). برنامه‌های آموزش والدین، با تاکید بر کل نظام خانواده به وجود آمده است. در این برنامه‌ها، نگرانی‌های والدین در مورد فرزندان در جلسات مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند، به نحوی که والدین در پرتو دستیابی به اطلاعات جدید، می‌توانند مشکلات کودکان را بهتر بفهمند و از طریق دریافت آموزش‌های لازم، به مهارت‌های مدیریت رفتار تجهیز گردند. با توجه به ادبیات پژوهش مذکور می‌توان ابراز نمود با توجه به نقشی که سلامت خانواده در به ظهور رساندن توانایی‌های بالقوه کودکان دارد اما تا کنون توجهی که نشانگر اهمیت این مهم باشد در تحقیقی ذکر نشده است به خصوص در حوزه روابط والد-فرزندی، یافته‌های پژوهشی بسیار محدود و منحصر به گروه نمونه‌های غیرعادی است (عاشوری و همکاران، ۱۳۹۴). بنابراین سؤال پژوهش حاضر این است که آیا برنامه والدگری به شیوه رفتاری بر بهبود رابطه والد-فرزندی والدین دارای اختلال یادگیری اثربخشی دارد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر نیمه تجربی با گروه آزمایش و گواه و طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون بود. جامعه آماری، مادران دارای کودکان اختلال یادگیری ۷ تا ۱۰ سال مراجعه کننده به مرکز مشاوره آموزش و پرورش مینودشت بود که به صورت هدفمند ۲۰ دانش آموز انتخاب و با استفاده از روش جایگزینی تصادفی در دو گروه ۱۰ نفری (۱۰ نفر گروه آزمایش و ۱۰ نفر گروه گواه) قرار گرفتند. سپس مقیاس رابطه والد-کودک از شرکت کنندگان، زیر نظر پژوهشگر

3. Pianta

1. Kaxdin
2. Child-Parent Relationship Scale

شد. خلاصه‌ی جلسات در نظر گرفته از مباحث کتاب فنون تربیت کودک (شفیع آبادی، ۱۳۹۰) و گینات (ترجمه سرتیپی، ۱۳۹۹) و کتاب کلارک (ترجمه رستمی و نیلوفری، ۱۳۸۷) اقتباس و در پژوهش های ملاحسنی و طاهر (۱۳۹۹)، زینالی (۱۳۹۴) مورد استفاده و تایید قرار گرفته است.

نمودارهای توزیع فراوانی پرداخته و در بخش آمار استنباطی با توجه به نوع تحقیق و در صورت نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس چند متغییری برای آزمون فرضیه های پژوهش استفاده شد.

روش اجرای پژوهش

جلسات درمان به صورت ۸ جلسه‌ی ۹۰ دقیقه‌ای تنظیم شده است که هفته ای یکبار بر روی گروه آزمایش انجام

جدول ۱. خلاصه ای از محتوای جلسات

جلسه	محتوا	تکالیف
جلسه اول	آشنایی با برنامه توانمندی والدگری، بحث درباره روابط مادر- کودک و علل مشکلات فرزندان، مشاهده و پیگیری رفتاری کودک توسط والدین و تعیین اهداف مشخص برای تغییر رفتار و بهبود روابط	ارزیابی رفتار کودک در کاربرگ روزانه
جلسه دوم	آموزش راهبردهای ارتباط مثبت با کودک (سخن گفتن، ابراز احساسات، اختصاص زمان برای ابراز وجود کودک، تمرین و ایفای نقش والدین در گروه‌های کوچک)	صرف مدت زمان خاص و پرمحتوا با کودک، نشان دادن عواطف، ابراز محبت کلامی و نحوه برقراری ارتباط غیر کلامی، شنیدن و گوش دادن و ثبت آن در کاربرگ روزانه
جلسه سوم	آموزش راهبردهای آموزش اتفاقی، فنون پرسیدن، گفتن و انجام دادن برای یادگیری رفتارها و مهارت‌های جدید به کودک.	تمرین آموزش رفتارهای مثبت، مهارت های جدید و ثبت آن در کاربرگ روزانه
جلسه چهارم	بحث درباره انواع تقویت‌کننده‌ها، آشنایی با اصول و چگونگی به کارگیری آن‌ها.	تمرین انواع تقویت کننده ها بر اساس رفتار کودک و ثبت آن در کاربرگ روزانه
جلسه پنجم	آموزش راهبردهای افزایش رفتارهای مطلوب (تحسین کلامی و غیر کلامی، اقتصاد ژتونی)، فراهم کردن فعالیت‌های جذاب، پس خوراند فوری و عینی	تمرین انواع رفتارهای تقویت کننده و شکل دهی رفتارهای مثبت و ثبت آن در کاربرگ روزانه
جلسه ششم	معرفی روش‌های گوناگون تنبیه مثبت و منفی، آشنایی با اصول و چگونگی به کار گیری آن‌ها، ایجاد مقررات واضح و بدون ابهام، استفاده از جدول های رفتار خوب، برخورد با زیرپا گذاشتن مقررات از طریق بحث هدایت شده، ارائه دستورهای واضح	انجام موارد آموخته شده در این جلسه در طول هفته و ثبت در جدول مشکلات رفتاری کودک
جلسه هفتم	معرفی پیامدهای منفی تنبیه و استفاده موثر از آن، آموزش راهبردها (وضع قانون، بحث مستقیم، دستوردهی مستقیم و روشن، نادیده گرفتن)	انجام موارد آموخته شده در این جلسه در طول هفته و ثبت در جدول مشکلات رفتاری
جلسه هشتم	آموزش رفتارهای جایگزین تنبیه به شکل پیشرفته (شناسایی پیامدهای منطقی)، ارائه تلفیقی از راهبردهای معرفی شده، آموزش برنامه‌های کاربردی (مانند برنامه روزانه پیروی از دستورات، برنامه اصلاح رفتار و نمودار رفتاری) و ارائه راهبردهایی به مادران جهت بقا و دوام آموزش‌ها	از مادران خواسته شد با در نظر گرفتن موقعیت های پر دردسر در خانواده و استفاده از مهارت‌های آموخته شده، نتایج مداخله خود را در کاربرگ روزانه ثبت نمایند.

یافته‌ها

به بالا ، سن دارند که میانگین و انحراف معیار سن آنها به ترتیب ۳۸/۰۷ و ۸/۸۷ بود

از کل شرکت کنندگان (۲۰ نفر) ، سن ۱ نفر (۵٪) کمتر از ۳۰ سال ، ۶ نفر (۳۰٪) بین ۳۰ تا ۴۰ سال ، ۸ نفر (۴۰٪) بین ۴۱ تا ۵۰ سال و ۵ نفر (۲۵٪) ۵۱ سال و

جدول ۲. یافته های توصیفی گروه آزمایش و کنترل، در متغیر رابطه والد - فرزندی و ابعادش در مادران						
متغیر	گروه آزمایش			گروه کنترل		
	مرحله	میانگین	انحراف معیار	مرحله	میانگین	انحراف معیار
تعارض	پیش آزمون	۳/۹۴	۰/۱۱۲	پیش آزمون	۳/۸۸	۰/۱۰۵
	پس آزمون	۲/۱۶	۰/۱۰۱	پس آزمون	۳/۹۹	۰/۱۰۹
نزدیکی	پیش آزمون	۲/۲۲	۰/۱۵۵	پیش آزمون	۲/۱۷	۰/۱۳۹
	پس آزمون	۳/۸۱	۰/۱۴۳	پس آزمون	۲/۱۸	۰/۱۴۳
وابستگی	پیش آزمون	۳/۹۸	۰/۱۰۷	پیش آزمون	۴/۱۱	۰/۱۷۲
	پس آزمون	۱/۹۳	۰/۱۶۸	پس آزمون	۴/۰۶	۰/۱۱۰
رابطه والد-	پیش آزمون	۲/۱۸	۰/۱۰۴	پیش آزمون	۲/۱۳	۰/۱۱۰
فرزندی	پس آزمون	۳/۸۷	۰/۱۰۱	پس آزمون	۲/۰۴	۰/۱۰۸

بر اساس جدول ۲ مشاهده می شود بین میانگین متغیر رابطه والد - فرزندی و ابعادش در گروه آزمایش و کنترل ، تفاوت معناداری وجود دارد و با توجه به میانگین متغیر های پژوهش ، میزان رابطه والد - فرزندی و ابعادش در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل ، بهبود یافته است.

جدول ۳. نتایج آزمون های کولموگروف-اسمیرنوف و لوین متغیر رابطه والد - فرزندی و ابعادش						
متغیر	کولموگروف_اسمیرنوف		لوین		آماره آزمون	درجه آزادی
	سطح معناداری	درجه آزادی	سطح معناداری	درجه آزادی		
تعارض	۰/۲۳۰	۲۰	۰/۰۶۶	۱۸	۲/۰۳۳	۱۸
نزدیکی	۰/۲۲۳	۲۰	۰/۰۷۱	۱۸	۱/۷۹۳	۱۸
وابستگی	۰/۱۸۷	۲۰	۰/۰۹۴	۱۸	۱/۲۲۷	۱۸
رابطه والد-فرزندی	۰/۲۲۴	۲۰	۰/۰۸۰	۱۸	۰/۰۱۹	۱۸

با توجه به جدول ۳ سطح معنی داری آزمون های کولموگروف - اسمیرنوف و لوین متغیرهای تحقیق بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد. بنابراین فرضیه H_0 تایید می شود یعنی توزیع داده ها در این نمونه آماری نرمال است و منحني نوزیع فراوانی داده ها متقارن و زنگوله‌های شکل می باشد و همچنین گروه ها از همگنی واریانس برخوردارند.

جدول ۴. نتایج تحلیل آزمون لامبدای ویلکز و اثر پیلایی، ابعاد متغیر رابطه والد - فرزند						
متغیر	مرحله	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	DF فرضیه	DF خطا
اثر پیلایی		۰/۹۹۱	۵۹۸/۷۳۰	۳/۰۰۰	۱۶/۰۰۰	۰/۰۰۰
لامبدای ویلکز		۰/۰۰۹	۵۹۸/۷۳۰	۳/۰۰۰	۱۶/۰۰۰	۰/۰۰۰
ردیابی هتلینگ		۱۱۲/۲۶۲	۵۹۸/۷۳۰	۳/۰۰۰	۱۶/۰۰۰	۰/۰۰۰

بزرگترین ریشه روی	۱۱۲/۲۶۲	۵۹۸/۷۳۰	۳/۰۰۰	۱۶/۰۰۰	۰/۰۰۰
اثر پیلایی	۰/۸۰۳	۲۱/۸۰۱	۳/۰۰۰	۱۶/۰۰۰	۰/۰۰۰
لامبدای ویلکز	۰/۱۹۷	۲۱/۸۰۱	۳/۰۰۰	۱۶/۰۰۰	۰/۰۰۰
ردیابی هتلینگ	۴/۰۸۸	۲۱/۸۰۱	۳/۰۰۰	۱۶/۰۰۰	۰/۰۰۰
بزرگترین ریشه روی	۴/۰۸۸	۲۱/۸۰۱	۳/۰۰۰	۱۶/۰۰۰	۰/۰۰۰

نتایج جدول ۴ نشان می دهد که بین گروه آزمایش و گروه کنترل از لحاظ متغیرهای وابسته تفاوت معناداری وجود دارد. لذا جهت بررسی این معنی داری به تحلیل کواریانس چند متغیری پرداخته شد.

جدول ۵. نتایج تحلیل آزمون مانکوا یا تحلیل کواریانس چند متغیری ، ابعاد متغیر رابطه والد - فرزند

منبع واریانس	متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری
مدل اصلاح شده پس از آزمون	تعارض	۱۳/۳۳۹	۱	۱۳/۳۳۹	۴۹/۵۰۵	۰/۰۰۰
	نزدیکی	۱۰/۱۱۴	۱	۱۰/۱۱۴	۳۳/۶۲۰	۰/۰۰۰
	وابستگی	۱۸/۶۸۹	۱	۱۸/۶۸۹	۴۸/۸۳۲	۰/۰۰۰
جدا کننده پس آزمون	تعارض	۲۰/۱۹۶۵	۱	۲۰/۱۹۶۵	۷۴۹/۵۶۲	۰/۰۰۰
	نزدیکی	۱۶۸/۲۰۰	۱	۱۶۷/۲۰۰	۵۵۹/۱۳۳	۰/۰۰۰
	وابستگی	۱۹۲/۲۰۰	۱	۱۹۲/۲۰۰	۵۰۲/۲۰۰	۰/۰۰۰
گروه	تعارض	۱۳/۳۳۹	۱	۱۳/۳۳۹	۴۹/۵۰۵	۰/۰۰۰
	نزدیکی	۱۰/۱۱۴	۱	۱۰/۱۱۴	۳۳/۶۲۰	۰/۰۰۰
	وابستگی	۱۸/۶۸۹	۱	۱۸/۶۸۹	۴۸/۸۳۲	۰/۰۰۰
خطا	تعارض	۴/۸۵۰	۱۸	۰/۲۶۹		
	نزدیکی	۵/۴۱۵	۱۸	۰/۳۰۱		
	وابستگی	۶/۸۸۹	۱۸	۰/۳۸۳		
مجموع	تعارض	۲۲۰/۱۵۴	۲۰			
	نزدیکی	۱۸۳/۷۲۸	۲۰			
	وابستگی	۲۱۷/۷۷۸	۲۰			
کل	تعارض	۱۸/۱۸۹	۱۹			
	نزدیکی	۱۵/۵۲۸	۱۹			
	وابستگی	۲۵/۵۷۸	۱۹			

فرزند(تعارض، نزدیکی و وابستگی)،والدین دارای فرزند اختلال یادگیری، می شود.

بحث و نتیجه گیری

بررسی نتایج این پژوهش نشان می دهد که میانگین رابطه والد-کودک گروه آزمایش در مرحله پس آزمون، در مقایسه با پیش آزمون افزایش داشته است. بر اساس نتایج مندرج در جدول ۵ آموزش رفتاری مادران در مقایسه با گروه

با نتایج تحلیل آزمون مانکوا یا تحلیل کواریانس چند متغیری برای ابعاد متغیر رابطه والد - فرزند (تعارض، نزدیکی و وابستگی) در جدول ۵ مقادیر F به ترتیب برابر با ۴۹/۵۰۵ ، ۳۳/۶۲۰ و ۴۸/۸۳۲ است که این مقادیر با درجه آزادی ۱ در سطح ۰/۰۰۰ معنی دار گردیده اند و این سطح از ۰/۰۵ کمتر می باشد. بنابراین فرضیه H₀ رد و فرضیه H₁ پذیرفته می شود یعنی برنامه والدگری به شیوه رفتاری باعث بهبود ابعاد رابطه والد -

کنترل باعث افزایش رابطه والد-کودکی در پس‌آزمون شده است. این یافته با نتایج پژوهشگران دیگر، از جمله ملا حسنی و طاهر (۱۳۹۹)، اصلانی و همکاران (۱۳۹۵)، ناظمیان و شمس (۱۳۹۵) و لیپولد و همکاران (۲۰۱۶) همسو است. پژوهش‌های اندکی تأثیر آموزش رفتاری به مادران را در تقویت اتکا به نفس، برقراری روابط مثبت و مؤثر و افزایش رابطه والد-کودک نشان داده‌اند. فقدان مهارت‌ها و توانایی‌های والدینی، مادران را در مواجهه با مسائل و مشکلات کودکانشان آسیب‌پذیر نموده و آن‌ها را در معرض انواع اختلالات روانی، اجتماعی و رفتاری قرار می‌دهد.

با توجه به نتایج تحقیقات پیشین، ترمیم مشکلات کودکان آن هم توسط کسی که خود در درون چرخه نگرانی‌ها قرار دارد (والدین)، می‌تواند به نحوی سبک معیوب رفتارها را دچار نوسان و یا ضربه سازد؛ از آنجا که درمان مورد استفاده در این تحقیق بر رابطه والد-کودک تأکید دارد، قطعاً برای کلیه والدین اعم از والدینی که با مشکلات یادگیری و رفتاری کودکان دست و پنجه نرم می‌کنند و یا والدینی که خواستار بهبود ارتباط با کودکانشان هستند، تأثیرگذار خواهد بود (کیدرون و لندرت، ۲۰۱۰).

در تبیین تأثیر آموزش رفتاری به مادران در بهبود رابطه والد-کودک می‌توان به ویژگی‌های این روش مداخله اشاره کرد. محتوای این جلسات به‌گونه‌ای است که پذیرش و همدلی والدین با کودک را افزایش می‌دهد. در این روش به والدین آموزش داده می‌شود تا در طول مدت بازی با کودک، رابطه خود را با وی تقویت نمایند. در جریان این ارتباط، کودکان از اسباب بازی استفاده می‌کنند تا تجربیات جدید را کشف کنند و آنچه را در موردش فکر و احساس می‌کنند، بیان نمایند؛ بنابراین، پاسخ همدلانه و عاطفی از طرف والدین به احساسات و هیجان‌های کودک، سبب تقویت حرمت خود در او می‌شود و به او کمک می‌کند تا با تقویت خودمهارگری، مسئولیت اعمال خود را بپذیرد (ویسانی و همکاران، ۱۳۹۴)؛ از طرف دیگر، کودک در زمان بازی، مرکز توجه

والدین است و والد ارتباط مطلوب و پذیرایی را برای کودک فراهم می‌کند تا او با احساس آرامش، به ابراز خشم، تنهایی، شکست‌ها، ترس‌ها و آرزوهای خود از طریق بازی اقدام کند. در زمان بازی کردن کودک، معمولاً والدین پیرو دستورات کودک خواهند بود و مواردی از قبیل توبیخ، تنبیه، تحقیر، ارزیابی و قضاوت وجود ندارد. با عنایت به وجود مشکلات متعددی که اغلب والدین در زمینه تعامل مثبت با فرزندان دارای اختلال یادگیری خود دارند، بازی، ابزاری مناسب در جهت بازسازی ارتباط والدین با کودکان است که به رفع نیازها و تعارضات آن‌ها کمک می‌کند. همچنین، شکل‌گیری ارتباط مثبت بین کودک و والد باعث کاهش احساسات منفی و نگرانی‌های مرتبط با فرزند پروری والدین خواهد شد که در نهایت میزان آگاهی و دانش والدین در مورد نحوه تعامل با کودک را افزایش می‌دهد (براتون و همکاران، ۱۳۹۱).

آموزش والدگری مثبت با آموزش به کار بردن مناسب تقویت‌کننده‌های عینی، تشویق‌کننده‌های کلامی متناسب با رفتار کودک در هر موقعیت و آموزش والدین در ایجاد فعالیت‌های سرگرم‌کننده، از حفظ حالت مراقبت دایمی والدین از کودک می‌کاهد و از این طریق سطح تنش حاصل را در روابط والد-کودک به طرز قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌دهد و موجب بهبود تعامل والد-کودک می‌شود (ساندرز، ۲۰۱۲). این برنامه با آموزش مناسب به والدین برای اعمال کنترل مناسب و ایجاد رفتارهای سازنده در کودک حس صلاحیت و خودگردانی والدین را افزایش می‌دهد. یادگیری مهارت‌های برقراری ارتباط صمیمانه با کودک و ایجاد فعالیت‌های سرگرم‌کننده برای او، از میزان مراقبت دایم و نگرانی والدین در مورد رفتارهای کودک می‌کاهد و موجب بهبود کیفیت تعامل والد-کودک می‌شود.

آموزش والدگری مثبت منجر به کاهش وابستگی بین مادر و کودک شده است. این پژوهش با یافته‌های ساندرز (۲۰۰۵)، میلز و وایلد (۲۰۰۹) و کاکابرابی (۱۳۹۵) همخوان می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که

است و هر گونه خلل در اجرای بهینه نقش‌ها در محیط طبیعی و ناکارآمدی آن می‌تواند تأثیرات عمیقی بر زندگی افراد انسانی آن داشته باشد. طبق این نظریه، آموزش والدین و به‌ویژه مادر به عنوان اولین و نافذترین منبع تأثیرگذاری بر روند رشد کودک، می‌تواند از شکل‌گیری بسیاری از مشکلات رفتاری، هیجانی و یادگیری در کودکان جلوگیری کند و یا از شدت آن بکاهد. از این رو، در روش آموزش رفتاری به مادران در بهبود ارتباط والد-کودک، از طریق بازی به عنوان مؤثرترین تکنیک تعامل با کودک، به اصلاح و بهبود نحوه ارتباط مادر با کودک پرداخته می‌شود که می‌تواند بسیاری از مشکلات کودکان را کاهش دهد؛ بنابراین از آنجا که درمان مورد استفاده در این روش بر بازی که زبان ذاتی و طبیعی ارتباط کودک با جهان پیرامون است تأکید دارد، می‌تواند بسیاری از مشکلات اجتماعی و هیجانی کودکان، از جمله بی‌اعتمادی، حرمت خود پایین، پرخاشگری، رفتار تکانشی، گوشه‌گیری و فقدان توجه را کاهش دهد (کیدرون و لندرت، ۲۰۱۰)؛ بنابراین، آموزش رفتاری به والدین و اجرای مستمر و منظم دستورالعمل‌ها و مهارت‌های آموخته شده در جلسات آموزشی و اجرای آن‌ها در خانه می‌تواند بر بهبود رابطه والد-کودک تأثیر بگذارد.

در اجرای پژوهش حاضر، محدودیت‌هایی به وجود آمد از جمله: این پژوهش تنها بر روی کودکان دارای اختلال یادگیری خواندن اجرا گردیده است و از آن جایی که نمونه پژوهش به صورت نمونه‌گیری در دسترس بوده است، در تعمیم‌پذیری نتایج به کل جامعه باید احتیاط کرد. لذا پیشنهاد می‌گردد آموزش رفتاری به مادران بر روی گروهی از کودکان دچار اختلالات یادگیری (نوشتن، ریاضی و...) و در سطحی وسیع‌تر نیز اجرا گردد و نتایج آن با نتایج پژوهش حاضر مقایسه گردد.

سپاسگزاری

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش همکاری کرده‌اند تشکر و قدردانی می‌نماییم.

تعارض منافع

تجارب اولیه و روابط والدین در ذهن کودک به صورت چهارچوبی عمل میکنند که با آن کودک وقایع را میتواند پیش بینی کند. کودکی که مراقبت عاطفی و شدیدی از مراقب خود دریافت میکند احساس دوست داشتنی بودن میکند و از دیگران انتظار دارد که به عنوان فردی شایسته به او توجه کنند (ابارشی و همکاران، ۱۳۸۸) اما در بعضی مواقع احساس عاطفی بیش از اندازه باعث وابستگی شدید بین مادر و کودک میشود که باعث مشکلات متعددی در زندگی آینده وی میشود. این برنامه به والدین راهبردهای عملی و موثر پرورش مهارتهای اجتماعی و زبانی کودک، خودتنظیمی هیجانی، استقلال و قابلیت حل مسئله را می‌آموزد (حاجی غلامی یزدی و علاقبند، ۱۳۹۲) دستیابی به این مهارت هانیز سبب ارتقای هماهنگی خانواده، کاهش تعارض کودک و والدین، توسعه روابط موفقیت آمیز با همسالان و آماده سازی کودک جهت کامیابی تحصیلی و در نهایت عدم وابستگی به والدین بخصوص مادر میگردد (عابدی، ۱۳۹۲).

آموزش والدگری مثبت منجر به کاهش تعارض بین مادر و کودک شده است این پژوهش با یافته های ساندرز (۲۰۰۳)، میلر، کروسلند و کلارک (۲۰۱۴)، اوورد، بوگلز و پویننبرگ (۲۰۱۲) و بهرام آبادی و همکاران (۱۳۹۲) همخوان میباشد میباشد. کودکان در زندگی در برخی مواقع بر خلاف نظر والدین خود عمل میکنند و باعث مشکلات بین خود و والدینشان میشود که عدم حل این تعارض مشکلات فراوانی بر زندگی آنها دارد. این رویکرد درمانی به درمان و پیشگیری اختلالات کودکی، قویترین حمایت تجربی را نسبت به سایر مداخلات در حوزه کودکان داشته است. همچنین بسیاری از اصول و روشهای این برنامه به طور موفقیت آمیزی در درمان مشکلات شدید رفتاری و بالینی کودکان به کارگرفته میشود. این برنامه واکنشهای عاطفی مضطرب کننده را که شامل افسردگی، عصبانیت، اضطراب و سطح بالای استرس است را مورد بررسی قرار میدهد. و باعث کاهش تعارضات بین والدین و فرزندان آنها میشود (ساندرز، ۲۰۱۲)

بر اساس نظریه بوم‌شناسی برون‌فن‌برونر (۱۹۷۹)؛ به نقل از کاپوتزی و اشتاوفر، (۱۳۹۵)، محیط طبیعی زندگی، پرقدرت‌ترین منبع تأثیرگذاری و نفوذ بر رفتار انسانی

نویسندگان این مطالعه هیچ‌گونه تعارض منافی در انجام و نگارش آن ندارند.

منابع

- ابارشی، زهره؛ طهماسیان، کارینه؛ مظاهری، محمد علی؛ پناغی، لیلی. (۱۳۸۸). تاثیر آموزش برنامه ارتقای رشد روانی-اجتماعی کودک از طریق بهبود تعامل مادر-کودک بر خودآزمندی والدگری و رابطه مادر و کودک زیر سه سال. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش در سلامت روانشناختی، ۳ (۳)؛ ۴۹-۵۷.
- اسکندری، بهاره؛ پورا اعتماد، حمیدرضا؛ حبیبی عسگرآبادی، مجتبی؛ مظاهری، محمد علی. (۱۳۹۵). اثربخشی مداخله سبک‌های پردازش حسی بر افزایش خودکارآمدی والدگری و رابطه والد-کودک در کودکان با اختلال طیف اتیسم. تعلیم و تربیت استثنایی، سال ۱۶؛ شماره ۱ (پیاپی، ۱۳۸). ۱۴-۲۱.
- افروز، غلام علی. (۱۳۸۵). مقدم‌های بر روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی تهران، انتشارات دانشگاه تهران. اصلانی، خالد؛ وارسته، مرضیه؛ امان‌الهی، عباس. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش برنامه والدگری مثبت بر کیفیت تعامل والد-کودک. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، دوره ۷، شماره ۲۸؛ ۱۸۳-۲۰۱.
- براتون، اس. اس.، لندرت، جی. ال.، کلام، تی.، و بلاکارد، اس. آر. (۱۳۹۱). بهبود رابطه والد و کودک از طریق بازی: کتابچه راهنمای درمانگران. ترجمه جواد محمودی قرانی، سعیده سادات مصطفوی و نرگس علیرضایی. تهران: نشر قطره. (انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۶).
- بهرام آبادی، مهدی، زهراکار، کیانوش، بروجرودی، هانیه، محمدی فر، محمدعلی. (۱۳۹۲). اثربخشی برنامه بهبود بخشی ارتباط بر کیفیت رابطه والد-فرزند در نوجوانان دختر خانواده‌های تک والدینی مادر سرپرست، مجله روانشناسی بالینی، ۵ (۲)؛ ۱۴-۲۶.
- پرون، م. (۱۳۸۹). روانشناسی بالینی. ترجمه: محمود منصور و پریخ دادستان. تهران: انتشارات بعثت.
- تجربیشی، معصومه، عاشوری، محمد، افروز، غلامعلی، ارجمندیان، علی اکبر، غباری بناب، باقر. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش برنامه ی والدگری مثبت بر تعامل مادر با کودک کم توان ذهنی، فصلنامه‌ی توانبخشی، ۲ (۱۶)؛ ۱۲۹-۱۳۸.
- تکلو، سمیه. (۱۳۹۰). تاثیر آموزش بازی درمانی بر مشکلات رفتاری کودکان دارای ناتوانی‌های یادگیری. مجله ناتوانی‌های یادگیری. دوره ۱، شماره ۱؛ ۴۴-۵۹.
- حاجی غلامی‌یزدی، عهدیه؛ علاقبند، مری. (۱۳۹۲). تاثیر آموزش مهارت‌های فرزندپروری بر نگرانی، اضطراب و باورهای خودکارآمدی والدین. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد. دوره ۲۱، شماره ۲؛ ۱۳۶-۱۴۷.
- سیف نراقی، مریم؛ نادری، عزت الله. (۱۳۹۰). نارسایی‌های ویژه یادگیری و چگونگی تشخیص و روش‌های بازپروری. تهران: انتشارات لکیان.
- شفیع آبادی، عبدالله. (۱۳۹۳). فنون تربیت کودک. تهران: انتشارات چهر.
- زینالی، معصومه. (۱۳۹۴). بررسی توانمند سازی مادران مطلقه در راستای کاهش اختلالات یادگیری فرزندان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- عاشوری، محمد؛ افروز، غلامعلی؛ ارجمندیان، علی اکبر؛ پورمحمد رضای تجربیشی، معصومه؛ غباری بناب، باقر. (۱۳۹۴). اثربخشی برنامه والدگری مثبت بر خودکارآمدی والدینی و تعامل مادر-کودک دارای کم توان ذهنی. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد. ۲۳ (۵)؛ ۴۸۹-۵۰۰.
- فیاضی، مرجان. (۱۳۸۸). تعارض ادراک شده و سبک‌های مدیریت آن. پژوهش‌نامه مدیریت تحول، ۱، ۲، ص ۲۵-۱۸.
- کاپلان، هارولد؛ سادوک بنجامین؛ گرب، جان. (۱۳۸۲). خلاصه روان‌پزشکی. ترجمه: نصرت الله پورافکاری. تهران: انتشارات شهرآب.
- کاکابرابی، کیوان. (۱۳۹۵). تاثیر آموزش برنامه فرزند پروری مثبت بر تنیدگی والدینی در مادران کودکان با آسیب شنوایی، فصلنامه شنوایی شناسی. ۶ (۲۳)؛ ۷۳-۶۶.
- کاپوتزی، دیوید؛ اشتاوفر، مارک. د. (۱۳۹۵). مبانی مشاوره زوج‌ها، ازدواج و خانواده. ترجمه: شکوه نوابی‌نژاد، نادره سعادت‌ی و مهدی رستمی. تهران: انتشارات جنگل.
- کلارک، لین. (۱۳۸۸). SOS کمک برای والدین: راهنمای عملی تغییر و اصلاح رفتار کودک. مترجم: رضا رستمی، علی نیلوفری. تهران: نشر تبلور.

- childhood and early adolescence. *Journal of learning disabilities*, 50(4), 434-449.
- Heath, C. L., Curtis, D. F., Fan, W., & McPherson, R. (2015). The association between parenting stress, parenting self-efficacy, and the clinical significance of child ADHD symptom change following behavior therapy. *Child Psychiatry & Human Development*, 46(1), 118-129.
- Heerman, W. J., Taylor, J. L., Wallston, K. A., & Barkin, S. L. (2017). Parenting self-efficacy, parent depression, and healthy childhood behaviors in a low-income minority population: A cross-sectional analysis. *Maternal and child health journal*, 21(5), 1156-1165.
- Goldston, D. B., Walsh, A., Arnold, E. M., Reboussin, B., Daniel, S. S., Erkanli, A., ... & Wood, F. B. (2007). Reading problems, psychiatric disorders, and functional impairment from mid-to late adolescence. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, 46(1), 25-32.
- Landreth, G. L., Ray, D. C., & Bratton, S. (2009). Play therapy in elementary school.
- Lippold, M. A., Davis, K. D., Lawson, K. M., & McHale, S. M. (2016). Day-to-day consistency in positive parent-child interactions and youth well-being. *Journal of child and family studies*, 25(12), 3584-3592.
- Miles, N. I., & Wilder, D. A. (2009). The effects of behavioral skills training on caregiver implementation of guided compliance. *Journal of Applied Behavior Analysis*, 42(2), 405-410.
- Miller, I., Crosland, K. A., & Clark, H. B. R. (2014). Behavioral skills training with teachers: Booster training for improved maintenance. *Child & Family Behavior Therapy*, 36(1), 19-32.
- Molahasani, S., & Taher, M. (2020). Evaluation of the Effectiveness of Behavioral Empowerment Training on Improving Mother-Child Relationship and Parenting Self-Efficacy Beliefs of Female Household Heads. *Journal of Assessment and Research in Counseling and Psychology*, 2(1), 71-86.
- Kazdin, A. E. (2008). *Parent management training: Treatment for oppositional, aggressive, and antisocial behavior in children and adolescents*. Oxford University Press.
- Kidron, M., & Landreth, G. (2010). Intensive child parent relationship therapy with Israeli parents in Israel. *International Journal of Play Therapy*, 19(2), 64.
- گینات، حایم جی. (۱۳۹۹). رابطه بین والدین و کودکان: راه حل‌های جدید برای مسائل قدیمی. ترجمه: سیاوش سرتیپی. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ملاحسنی، شهربانو؛ طاهر، محبوبه. (۱۳۹۹). بررسی اثربخشی آموزش توانمندسازی رفتاری بر بهبود رابطه مادر-کودک و خودکارآمدپنداری والدگری زنان سرپرست خانوار. سنجش و پژوهش در مشاوره و روانشناسی کاربردی ۲ (۱) ۷۱-۸۶.
- والاس، جerald؛ لافلین، جیمز. (۱۳۸۸). اختلال‌های یادگیری. ترجمه: محمدتقی منشی طوسی، مشهد: استان قدس رضوی.
- ورنون، آن. (۱۳۸۸). آموزش مهارت‌های فکری، احساسی و رفتاری. ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران: نشر ویرایش ویسانی، مختار؛ شهنی ییلاق، منیجه؛ عالی‌پور، سیروس؛ مهربابی زاده هنرمند، مهناز. (۱۳۹۴). اثربخشی روش ارتباط والد-کودک بر شدت نشانگان اختلال کاستی توجه/بیش‌فعالی. دوفصلنامه روانشناسی خانواده؛ ۲ (۱) ۳۸-۲۹.
- ناظمیان، عباس؛ شمس، زهرا. (۱۳۹۵). بررسی اثربخشی آموزش گروهی والدین مبتنی بر فرزندپروری مثبت با توجه به فرهنگ ایرانی بر پیشرفت تحصیلی و ارتباط والد-کودک. مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۵۹(۲): ۱۲۴-۱۳۱.
- هالاهان، دانیل، پی؛ لوید، جان. و؛ کافمن، جیمز. و؛ ویس، مارگارت. پی؛ مارتینز، الیزابت. ا. (۱۳۹۵). اختلال‌های یادگیری (مبانی، ویژگی‌ها و تدریس موثر). ترجمه حمید علیزاده، قربان همتی علمدارلو، صدیقه رضایی دهنوی و ستاره شجاعی. تهران: نشر ارسباران
- Barlow, J., Parsons, J., & Stewart-Brown, S. (2005). Preventing emotional and behavioural problems: the effectiveness of parenting programmes with children less than 3 years of age. *Child: care, health and development*, 31(1), 33-42.
- Bode, A. A., George, M. W., Weist, M. D., Stephan, S. H., Lever, N., & Youngstrom, E. A. (2016). The impact of parent empowerment in children's mental health services on parenting stress. *Journal of Child and Family Studies*, 25(10), 3044-3055.
- Berninger, V., Abbott, R., Cook, C. R., & Nagy, W. (2017). Relationships of attention and executive functions to oral language, reading, and writing skills and systems in middle

- Sanders, M. R. (2005). Triple P: A multi-level system of parenting intervention: Workshop participant notes. *The University of Queensland: Brisbane, Australia.*
- Swanson, H. L., Harris, K. R., & Graham, S. (Eds.). (2013). *Handbook of learning disabilities.* Guilford press.
- Willcutt, E. G., Boada, R., Riddle, M. W., Chhabildas, N., DeFries, J. C., & Pennington, B. F. (2011). Colorado Learning Difficulties Questionnaire: validation of a parent-report screening measure. *Psychological assessment, 23*(3), 778.
- Van der Oord, S., Bögels, S. M., & Peijnenburg, D. (2012). The effectiveness of mindfulness training for children with ADHD and mindful parenting for their parents. *Journal of child and family studies, 21*(1), 139-147.
- Pianta, R. C. (1994). Patterns of relationships between children and kindergarten teachers. *Journal of school psychology, 32*(1), 15-31.
- Rudan, I., Rudan, D., Campbell, J., Biloglav, V. & Urek, R. (2004). Prevalence of learning disabilities in Croatia is land isolated. *Journal of Intellectual & Developmental Disability, 29*(1), 25-36.
- Sanders, M. R. (2003). Triple P-Positive Parenting Program: A population approach to promoting competent parenting. *Australian e-journal for the Advancement of Mental Health, 2*(3), 127-143.
- Sanders, M. R. (2012). Development, evaluation, and multinational dissemination of the Triple P-Positive Parenting Program. *Annual review of clinical psychology, 8*, 345-379.

